

تاریخ معاصر ایران را که ورق بز نیم مشاهده می‌کنیم که هر کجا منافع ملی ایران پامال شده و اقدامی بر علیه تمامیت ارضی کشور صورت گرفته است، رد پای انگلیسی‌ها در آن دیده می‌شود. دولت انگلیس که هیچ گاه پس از انقلاب اسلامی روابط حسنه با ایران نداشته و همیشه دنبال ضربه زدن به امنیت ملی جمهوری اسلامی بوده است، پس از شروع آشوب‌های خیابانی در

خشم لندن از خط خوردن مهره کلیدی انتقام روباه پیر با تحریم «سپاه»

برخی شهرها، فضا را برای موج‌سواری مناسب دید تا بتواند از آب گل آلود ماهی بگیرد.

دولتمردان انگلیس که به تازگی مسند قدرت را به دست گرفته‌اند بیش از آنکه به مسائل داخلی خود بپردازند، بر روی اغتشاشات ایران متمرکز هستند و روزی نیست که مقامات لندن اظهارنظری علیه جمهوری اسلامی انجام ندهند. پس از اعمال تحریم‌ها علیه برخی مقامات و نهادهای امنیتی ایران در ماه‌های اخیر برای اعلام حمایت از آشوبگران، اکنون در اقدامی جنجالی دولت انگلیس سعی دارد سپاه پاسداران را در لیست سازمان تروریستی قرار دهد. مجلس عوام این کشور هفته گذشته این طرح را به اتفاق آرا تصویب کرد و آن را به دولت ارائه داد تا در این مورد تصمیم‌گیری کند و این طرح روی میز نخست‌وزیر قرار دارد تا در صورت صلاحدید این طرح را قانونی کند. اقدامی که می‌تواند روابط تیره تهران و لندن را بدتر از قبل کند. انگلیس درحالی قصد دارد تا سپاه را تروریستی اعلام کند که آشکارا از گروهک‌های تجزیه‌طلب در شرق و غرب کشور و همچنین گروهک منافقین حمایت می‌کند.

اهداف انگلیس از تقابل با ایران

دولت انگلیس که یکی از بزرگ‌ترین استعمارگر جهان بود و بقیه کشورها را به چشم مستعمره می‌دید همچنان این سیاست استعماری و خیال احمقانه را در سر می‌پروراند که می‌توانند تحولات جهانی را مدیریت کنند و حکومت‌های دست‌نشانده و داخواه خود را در مناطق مختلف جهان روی کار بیاورند. از آنجا که جمهوری اسلامی پس از وقوع انقلاب۵۷، دست اجنبی‌ها

یکی از گزاره‌های مهم مورد اشاره رهبر انقلاب اسلامی در چند ماه اخیر، اشاره به موضوع تغییر نظم فعلی دنیاو رفتن به سوی یک نظم و ساخت جدیدی از جهان است. به تعبیر ایشان، شاخصه مهم این تغییر افسول قدرت غرب و آمریکاست. رسانه KHAMENEI.IR برای بررسی و تحلیل این موضوع به گفتوگو با دکتر محمودجواد لاریجانی پرداخته است.

آیا ایران در تحولات امروزیبن صحنه‌بین‌المللی دارای جایگاه ویژه‌ای شده است یا نه؟ علامتی هست و نشانه‌ها و تحولاتی هست که به نوعی این گزاره را تقویت می‌کند؟

اولین قدم، فهم صحیح از وضعیت کشور و شرایط بین‌المللی است. فهم واقع‌بینانه و واقعاً کلیدی است برای اینکه ما بدانیم اوضاع در چه حالی است، به‌خصوص در زمانی که انواع مکانیسم‌های مدرن‌شده و مهندسی‌شده برای تغییر فهم ما در کار است. امروز اگر ما بخواهیم یک پدیده‌ای را در صحنه جهانی بفهمیم واقعا کار مشکلی است. چون در فضای مجازی، ابرهای زیادی از چیزی که اسمش اطلاعات است وجود دارد که در واقع ضدِاطلاعات است. این ضدِاطلاعات بر ذهن مسئولین، ذهن فرهیختگان و ذهن عموم مردم، تأثیر زیادی می‌گذارد لذا فهم واقعیت کار چندان آسانی نیست.

خب حالا می‌خواهیم ببینیم وضعیت امروز صحنه جهانی چیست، تحولاتش چگونه است و جایگاه ایران کجاست. ابتدا باید از سوابق شروع کنیم. من از حادثه جنگ جهانی دوم سریع آغاز می‌کنم. جنگ جهانی دوم که تمام شد ذؤل غربی فکر کردند که بهترین راه برای اینکه جنگی در آینده اتفاق نیفتد این است که یک کلوب جهانی اداره دنیا را به دست بگیرد و مدعی‌اش هم آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی بودند. این کلوب باید یک بازوی نظامی هم برای خودش درست می‌کرد. لذا رفتند به سمت ایده جهان ششایی به رهبری کلوب غربی و صدور لیبرال‌دموکراسی‌ای که خودشان پرچم‌دارش بودند.

ایسن پروژه از همان ابتدا با یک چالش بزرگی روبه‌رو شد؛ این چالش، ظهور امپراتوری سکولار سوسیالیستی شوروی بود. شوروی در فاصله کمی توانست بر قسمت‌های عظیمی از دنیا مسلط بشود و جلوی رهبری مطلق آمریکا را گرفت. در پی این اتفاق جنگ سرد شروع شد. پس از آن بود که سیاستمدارها در دنیا مسائل را تنازل می‌دادند به دعوای بین دو قطب شرق و غرب و همه مسائل را از این دریچه فهم می‌کردند و ایسن دوقطب را نظم مطلق می‌دانستند که همه باید خود را ذیل آن تعریف کنند.

در چنین شرایطی تئوری «نه شرقی؛ نه غربی» حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در انقلاب اولین حرفی بود که این نحوه تحلیل مسائل را زیر سؤال برد. ما به توجیه به نظری «نه شرقی؛ نه غربی» دیگر این‌جور نبود که مسائل برای حل و فهم صرفا باید تنازل پیدا کند به اینکه دو قطب دنیا با همدیگر در چه حالتی هستند. امام اولین چالش جدی و بزرگ را برای دوقطبی آن دوران به وجود آورد. این چالش آن‌قدر برای نظم آن روز دنیا عمیق

جوانه از جمله تحریم علیه سپاه پاسداران جبران کند، چرا که سپاه در شناسایی این ابرجاسوس ضربه سنگینی را به لندن وارد کرده است.

رویکرد متناقض لندن
در برخورد با اعتراضات داخلی و ایران
انگلیس درحالی‌سه بهانه حمایت از اغتشاشگران ایرانی سیاست تنش با تهران را در پیش گرفته که در ماجرای برخورد با مخالفان

سیاسیSiyasi @kayhan.ir

ماجرا به گونه دیگری رقم می‌خورد و مقامات لندن آنها را افرادی قلمداد می‌کنند که سعی در برهم زدن امنیت ملی و ایجاد هرج و مرج و آشوب دارند که باید به شدت با آنها برخورد شود.

لندن حمله آشوبگران به نیروهای پلیس ایران را اقدامی تلافی جویانه و دفاع از خود می‌داند اما در انگلیس پلیس این کشور دستش برای سرکوب مخالفان باز است و با هر وسیله‌ای اعصاب کنندگان در این کشور تصویب کند طی آن افرادی که در آینده اعتصاب کنند از کار اخراج خواهند شد و حتی در برخی حوزه‌ها اعتصاب جرم تلقی شده است.

دو قرن کار نامه سپاه انگلیس علیه ایران
اینکه انگلیس اکنون ردای تقابل با ایران را به تن کرده است، مربوط به زمان حال نیست و خیانت‌های روباه پیر تاریخی به درازای دو قرن دارد. انگلیس از دوره قاجار همیشه با مداخله در می‌تواند معترضان را سرکوب کند و هر گونه تعرض به نیروهای امنیتی مجازات تصویب دارد. حتی دولت انگلیس به دنبال تصویب طرحی برای افزایش اختیارات پلیس است تا اعتراضات را قبل از ایجاد اختلال در نظم عمومی کنترل کند که به منزله مقابله سخت‌تر با مخالفان است. در مقابل، نیروهای پلیس ایران

داخلی خود رویکرد دوگانه‌ای را به اجرا گذاشته است. مقامات لندن آشوبگران ایرانی را معترضان صلح‌جویی می‌دانند که برای رسیدن به آزادی

و برقراری عدالت با حکومت مبارزه می‌کنند و حمایت از آنها را نوعی تکلیف و وظیفه برای خود می‌دانند. اما وقتی مردم انگلیس در مخالفت با گرانی و بحران‌های معیشتی به خیابان می‌آیند دهه با سرویس‌های جاسوسی انگلیس همکاری داشت و اطلاعات محرمانه زیادی را به لندن داده بود که چند روز پیش به دار مجازات آویخته شد که این مسئله خشم مقامات انگلیسی را به همراه داشت. لندن از اینکه بعد از این مهره قدرتمند خود را در اختیار ندارد تا با کمک آن اطلاعاتی مهم از ایران کسب کند، به شدت عصبانی است و سعی دارد این شکست خود را با اقدامات تلافی

می‌کنم یکی از آسیب‌هایی که منافع ملی ما در

چند دوره مختلف دید از همین تفکر بود.
این تئوری پسافروپاشی شوروی برای اداره جهان ققدر بسا صحنه واقعی دنیا انطباق داشت؟

به‌تدریج معلوم شد که ادعای جهان‌گشایی و رهبری پلامن‌ساز کلوب غربی به رهبری آمریکا بر دنیا به‌راحتی هم ممکن نیست و شکست مختلف پیدا شد. اولین شکست هم شکست نظامی بود؛ مثل شکست‌شان در عراق. آمریکایی‌ها ساده‌لوحانه فکر کردند انتصاب یک حاکم نظامی برای عراق کار را تمام می‌کند. مجبور شدند او را به‌سرعت برارند و امروز هم مجبورند که تحت‌فشار ملت عراق از این کشور بیرون بروند.

نمونه دیگر ورود ناتو در افغانستان بود. ناتو در ابتدا یک اتحادیه‌ای بود برای دفاع از اعضای در مقابل تهاجم وورشوی شوروی سابق و وظیفه‌اش دفاعی بود و مسئولیتش در داخل کشورهای عضو ناتو بود. غربی‌ها آمدند اساسنامه ناتو را

بعد از فروپاشی شوروی تغییر دادند و برای ناتو رسالت تحرک نظامی را در بیرون مرزهای اعضا تعریف کردند که اولین مأموریتش هم افغانستان شد؛ اما نتیجه چه شد؟ شکستی که ناتو در افغانستان خورد، از شکستی که اتحاد جماهیر شوروی از آمریکا خورد چیزی کمتر نیست و بلکه وسیع‌تر هم هست.

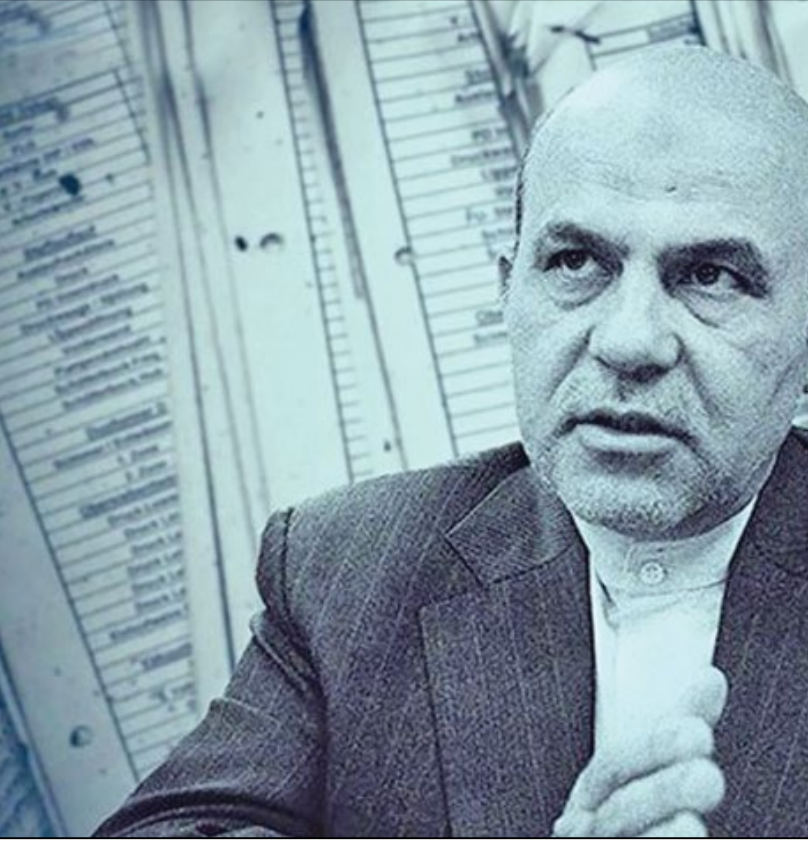
روسیه جدید هم ضربه مهمی به تئوری سبطره جهانی غربی‌ها زد. پوتین به‌سرعت توانست قسمت‌هایی از شوروی سابق را از لحاظ ملیت، استقلال و قدرت ساماندهی کند و روسیه را به یک کشور مهم تأثیرگذار برساند. این چالش برای رهبری آمریکا سخت بود.

حالا جریان غربی مدعی رهبری دنیا دو چالش بزرگ در مقابل خود می‌دید. یکی چالشی که در روسیه بود و چالش بزرگ‌تری که در غرب آسیا و جهان اسلام با حضور جمهوری اسلامی ایران و جریان و گفتمان مقاومتی که بانی آن حضرت امام رحمت‌الله‌علیه بود مواجه شدند. پس از آن دیگر معلوم شد که رهبری دنیا به این آسانی‌ها هم نیست.

را که برای برقراری امنیت با آشوبگران برخورد می‌کنند، تحریم کرده‌اند.

انگلیس در ماه‌های اخیر درگیر اعتصابات سراسری پزشکان وپرستاران و کارمندان شرکت‌های حمل‌ونقل بوده است که از طرح‌های ریاضتی دولت به ستوه آمده‌اند و خواستار بهبود وضعیت معیشتی خود هستند. دولت انگلیس به جای اینکه به وضعیت آنها رسیدگی کند در عوض سعی کرد قوانین سفت و سختی را علیه اعتصاب کنندگان در این کشور تصویب کند طی آن افرادی که در آینده اعتصاب کنند از کار اخراج خواهند شد و حتی در برخی حوزه‌ها اعتصاب جرم تلقی شده است.

دو قرن کار نامه سپاه انگلیس علیه ایران
اینکه انگلیس اکنون ردای تقابل با ایران را به تن کرده است، مربوط به زمان حال نیست و خیانت‌های روباه پیر تاریخی به درازای دو قرن دارد. انگلیس از دوره قاجار همیشه با مداخله در



امور داخلی ایران سعی می‌کرد تا سیاست‌های کشورمان را با خود در منطقه همراه کند و اگر از طریق مسالمت‌آمیز به هدفش نمی‌رسید با اهرم زور و قلدری آن را پیش می‌برد. دمیدن بر طبل جنگ بین ایران و روس در دوره قاجار برای تضعیف دولت که در نهایت با امضای قراردادهای ننگین گلستان و ترکمنچای پایان یافت، همگی

سیاسی مدرن بر اساس عقلانیت اسلامی که منبث از مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام است. ما تمام آن چارچوب‌های مشارکت مردم را در قانون اساسی‌مان داریم. ظهور جمهوری اسلامی، مهم‌ترین حادثه‌ای است که با انقلاب شکل گرفت. آن زمان یک عده‌ای می‌گفتند این امکان‌پذیر نیست، شدنی نیست آمریکا نمی‌گذارد، اصلاً اسلام دین کهنه‌ای است، نمی‌تواند کشور ایران را قوی کند، ما بعد از یک مدتی به کشور ضعیفی در منطقه تبدیل می‌شویم. خوب دومین حادثه‌ای که اتفاق

علاوه بر ایسن دو مورد، چالش‌های دیگری هم بر سر راه آمریکا وجود دارد. ظهور جریان مقاومت در دنیا و آمریکای جنوبی در مقابل آمریکا که به‌طور مثال مقاومت مردم ونزوئلا و کوبا در مقابل تحرک آمریکا با تحولاتی مانند آنچه در برزیل اتفاق افتاد خودش نوعی شکست برای این تئوری رهبری دنیا توسط آمریکا بود.

این مقاومت در کشورهایی مانند ونزوئلا و کوبا با مقاومتی که در منطقه جنوب غرب آسیا جریان دارد، چه نسبتی دارد؟
خب آنها هم در آمریکای لاتین و مخصوصاً

افتاد این است که هیچ‌کدام از این‌ها درست نبود. معلوم شد با این مبنای محکم اسلامی یکی از قوی‌ترین و نوترین نظام‌های حکومتی در جهان شکل گرفته است. شما نظام حکومتی آمریکا به‌طور مثال مقاومت مردم ونزوئلا و کوبا در مقابل تحرک آمریکا با تحولاتی مانند آنچه در برزیل اتفاق افتاد خودش نوعی شکست برای این تئوری رهبری دنیا توسط آمریکا بود. **این مقاومت در کشورهایی مانند ونزوئلا و کوبا با مقاومتی که در منطقه جنوب غرب آسیا جریان دارد، چه نسبتی دارد؟**
خب آنها هم در آمریکای لاتین و مخصوصاً

ببینید جنگ سرد علی‌الاصول معنا‌نیا این است که دو تا نیروی مدعی رهبری دنیا از جنگ مستقیم با همدیگر ابا دارند و سعی می‌کنند که به شکل تبلیغاتی با هم جنگ کنند و توجیه‌ایشان را به جان هم بیندازند. اگر بخواهیم در آن امروز بین مثلاً آمریکا و روسیه در نظر بگیریم این هنوز با جنگ سرد فاصله زیادی دارد. علا خود آمریکا و اذنانبش علیه روسیه درحال جنگ هستند. اگر این جنگ با اذئاب روسیه بود می‌شد گفت شبیه جنگ سرد است.

در این صورت، نقش نظام‌هایی مانند جمهوری اسلامی و ساخت سیاسی آن

به واسطه تحرکات انگلیسی‌ها انجام شد تا بتوانند نفوذ خود را در ایران افزایش دهند.

تحمیل قرارداد پاریس به ناصرالدین شاه که منجر به جدایی هرات از ایران شد نمونه دیگری از سیاست‌های حيله‌گرانه لندن بود که با هدف تضعیف و تحت‌الحمايه کردن ایران انجام شد. امضای قرارداد «دارسی» برای غارت منابع نفت ایران و دیگر قراردادهای ظالمانه برای سلطه بر منابع معدنی، اقتصادی و کشاورزی ایران از جمله برنامه‌هایی بود که در گذشته در راس سیاست خارجی بریتانیا قرار داشت.

انگلیس زمانی که دید نمی‌تواند از طریق قاجار به اهدافش برسد، به مسیر دیگری متوسل شد و با حمایت از رضاخان در اسفند ۱۲۹۹ کودتایی را ترتیب داد تا دولت دست نشانده پهلوی را مستقر کند و رضاخان همیشه مهره انگلیسی‌ها تلقی می‌شد. همچنین، حمله به خاک ایران در جنگ‌های جهانی اول و دوم که منجر به بروز

قحطی و کشته شدن صدها هزار نفر شد، کارنامه سیاه بریتانیای استعماری در قبال ایران است. اوج جنایت انگلیس علیه ایران را در ماجرای ملی شدن صنعت نفت می‌توان به خوبی دید که وقتی دستش از غارت منابع نفتی قطع شد با کمک آمریکا و عناصر ضد ایران کودتایی را بر علیه دولت محمد مصدق انجام داد تا دوباره نفت

به‌خصوص رهبر معظم انقلاب در این آرایش جدید چیست؟
منظور من نقش ایشان هم در سطح القای تصویر واقع‌بینانه از شرایط است و هم در ترسیم خطوط عملی برای آیند. تصویر واقع‌بینانه خیلی مهم است. اگر ما بنا باشد فکر کنیم که در مقابل این هژمون غربی، توان مقاومت نداریم خب طبیعی است که صورمان از وضعیت جور خاصی خواهد بود؛ اما اگر فکر کنیم نه این هیبتی که آنها مدعی‌اش هستند، هیبتی پوشالی است و مقاومت یک کار اصولی

به‌خصوص رهبر معظم انقلاب در این آرایش جدید چیست؟
منظور من نقش ایشان هم در سطح القای تصویر واقع‌بینانه از شرایط است و هم در ترسیم خطوط عملی برای آیند. تصویر واقع‌بینانه خیلی مهم است. اگر ما بنا باشد فکر کنیم که در مقابل این هژمون غربی، توان

مقاومت نداریم خب طبیعی است که صورمان از وضعیت جور خاصی خواهد بود؛ اما اگر فکر کنیم نه این هیبتی که آنها مدعی‌اش هستند، هیبتی پوشالی است و مقاومت یک کار اصولی

است، مقاومت اصولی حتماً موفق خواهد شد و علائمش هم وجود دارد.

یک نمونه مثلاً مسئله تحریم‌ها است. تحریم‌هایی که علیه ایران است از ابتدای انقلاب بوده حالا این‌ها تشدیدش کردند و تبلیغاتش را زیاد کردند. ما هم تنها نیستیم غیر از روسیه که اخیراً تحریم‌های وسیع دارد، کشورهای دیگری هم تحت تحریم بوده‌اند. در مقابل تحریم چه‌کار باید بکنیم؟ استراتژی رهبر انقلاب این بوده است که باید تحریم را بی‌اثر کنیم. البته ما باید همیشه مطالبه رفع تحریم کنیم چون تحریم یک تجاوز به حقوق یک ملت است. تحریم یک اقدام بین‌المللی نیست. یک تجاوز است. در مقابل تجاوز باید ایستاد؛ اما استراتژی عملی ما بی‌خاصیت کردن تحریم است ابتدا بر امکانات خودمان، چه ملی، چه همسایگی، چه سایر امور؛ یعنی ما جهان و خانواده جهانی را فقط چند تا کشور غربی ندانیم. خانواده جهانی بسیار بزرگ است.

بعد از سفر پوتین به تهران و موضوعی که رهبر انقلاب اسلامی در تبیین شرایط اوکرانین و پرده‌برداری از استراتژی ناتو و نفی آن بیان فرمودند عکس‌العمل دولت آمریکا این بود که ایران به یک گروه کوچکی از کشورهای طرفدار روسیه در مناشقه با اوکرانین پیوسته. حالا ما نمی‌دهیم این کوچک و بزرگی مقیاسش چیست؟! الان در سطح جهانی چین با آمریکا مخالف است. خب چین کشور کوچکی است واقعاً؟ هندوستان مخالف استراتژی تحریم است. ایران مخالف استراتژی تحریم است. برزیل مخالف تحریم است. خب اگر این‌ها کشورهای کوچک هستند خیلی خب ما دید نامتعادل، تبلیغاتی و البته از روی خشم خودش مانع دیدن واقعیت‌هاست. پس یکی از تأثیرات مهم جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب پرده‌برداری از صورت قضایا و دیدن شفاف مسائل است. استراتژی دوم ترسیم استراتژی مقاومت است، همکاری است و اینکه ما در این جریان پیروز خواهیم شد و قدرت هژمونیک را ما مطلق نبینیم. تفاوت این مقاومتی که ما در ایران راجع

صفحه ۸

چهارشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۱

۳ رجب ۱۴۴۴ – شماره ۲۳۳۲۸

ایران را چپاول کند. انگلیس همچنین با تحت فشار قرار دادن دولت پهلوی، بخرین را از ایران جدا کرد تا نقش و نفوذ ایران در خلیج‌فارس را کاهش دهد.

اقدامات لندن علیه ایران به صورت سیاسی و نظامی تا پیروزی انقلاب اسلامی رواج داشت و با استقرار جمهوری اسلامی، انگلیس مثل گذشته با اهرم زور نتوانست منافعش را در ایران تأمین کند و به گزینیه‌های دیگری روی آورد. انگلیس با حمایت از رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی و دادن تسلیحات به آن برای اشغال ایران و مداخله در امور سیاسی تلاش کرده تا نفوذ سابق خود در ایران را بازیابد.

انگلیس همچنین در چهار دهه گذشته سعی کرده است تا در بدنه نیروهای امنیتی و سیاسی ایران نفوذ کرده و با تقویت شبکه‌های جاسوسی بتواند به راحتی برنامه‌های خود را عملی کند. نفوذ در بین مقامات ارشد نظام همواره در راس اولویت‌های لندن قرار داشته و در برخی موارد هم موفقیت‌آمیز بوده است و نمونه آن را در روابط سرویس‌های جاسوسی انگلیس با علیرضا اکبری مقام سابق دفاعی ایران شاهد بودیم ولی همیشه با کمک نیروهای اطلاعاتی این افراد شناسایی و مجازات شدند و نقشه‌های شوم لندن برای ضربه زدن به تهران ناکام مانده است.

در سال‌های اخیر انگلیس روش‌های دیگری را هم در پیش گرفته است تا از طریق جنگ روانی تهران را تحت فشار قرار دهد. انگلیس با پناه دادن به شبکه‌های ضد انقلاب در لندن مانند «ایران اینترنشنال» وابسته به سعودی و شبکه «بی‌بی‌سی» که مدام علیه جمهوری اسلامی تبلیغ و فضاسازی می‌کنند نشان داده که حاضر نیست

مسیر مسالمت‌آمیز با ایران را در پیش بگیرد. حمایت نامت‌مقد از اغتشاشات و تلاش برای تحریم سپاه پاسداران بیانگر این است که لندن همه پل‌های پشت سر خود را خراب می‌کند که می‌تواند روابط دوجانبه را تحت‌الشعاع قرار دهد. گنجاندن سپاه در لیست تروریستی، درحالی انجام می‌شود که این سازمان در یک دهه گذشته نقش مهمی در مقابله با گروه‌های تروریستی تحت حمایت غرب داشته است و در جبهه مقدم ضد تروریسم و حفاظت از منابع کشور در برابر سلطه گران غربی بود. بنابراین، اقدام جنجالی انگلیس علیه سپاه، تنش بین تهران و لندن را تشدید خواهد کرد و در همکاری‌های دیپلماتیک بین ایران و غرب بر سر احیای برجام هم تأثیر منفی خواهد داشت و تبعات آن متوجه مقامات لندن و واشنگتن است که مسیر نادرستی را برای رسیدن به اهدافشان انتخاب کرده‌اند.

به آن صحبت می‌کنیم با مقاومت‌های دیگر در دنیا در همین قسمت است. یک ژاتری از مقاومت در ایران تعریف‌شده و عمل شده که محورش درواقع حق‌مداری منبث از تفکر اسلامی است. ما محاجات نمی‌کنسیم از اینکه مطرح کنیم در دنیا که افکار ما منبث از اسلام است. افتخار می‌کنیم به این قضیه. احیای حرکت اسلامی خودش بخش مهمی از این جهت حق‌گراییی مقابله با سلطه است. ما وقتی می‌خواهیم راجع به خودمان صحبت کنیم سرچشمه قدرت را فراموش نکنیم.

نکته بعد این است که ما از تهدیدها نباید بترسیم. آن‌هایی که دنبال سبطیره نظام بر دنیا هستند به رخ می‌کشند توپ و تفنگ و اسلحه‌شان را دیگر. ما هرگز از این ترسیدیم و نباید بترسیم. این یک خطی است که درواقع بیان شده. آنجایی که ایشان می‌فرمایند دوران بزن درو تمام شد معنایش همین است، یعنی اگر زدی می‌خوری و ما نمی‌ترسیم از این قضیه. این یک استراتژی است.

نکته دیگر توجه به نسل جوان ما است. توجه به جوانان این نیست که ما آنها را به پست‌های خیلی بالا بگماریم بلکه باید برای آنها میدان‌های وسیع عمل ایجاد کنیم و بگذاریم آنها توانمندی‌ایشان را شکوفا شود؛ و اگر ما به آنها اعتماد کنیم و به ایشان امکان بدهیم کوه‌ها را جابه‌جا می‌کنند. آنچه ما در جمهوری اسلامی از توفیقات تجربه کردیم عمدتاً توسط مجاهدات جوان‌های ما بوده است. این معنایش این نیست که سالخوردگان را باید ما به ایشان توهین کنیم. نه، وقرؤا کبارکم. این دستور اسلامی ما است از تجربه آنها هم استفاده می‌کنیم.

بعنوان سؤال آخر به نظر شما نظم جدید جهانی بعد از چه مدت به ثبات خواهد رسید و این دوره گذار ققدر طول می‌کشد؟
نظم جدید جهانی هنوز شکل نگرفته. آن چیزی که فعلا داریم می‌بینیم از هم‌پاشدگی نظم مورد ادعای آمریکا و ذؤل غربی است. نظم جدید جهانی باید بر مبنای درستی شکل بگیرد. اهمیت حضور ایران در همین پروسه شکل‌دهی و شرکت گیری است. سازمان ملل نباید میدان تاخت و تاز کسانی باشد که خودشان را آقای دنیا می‌دانند که کخدا می‌دانند. سازمان ملل باید خانه همه ملت‌ها باشد.

ما در پروسه شکل‌گیری نظم جدیدی هستیم که سبطیره‌ای که ذؤل غربی مدعی را باطل کرده؛ اما نظم جدید باید شکل بگیرد. دقیقاً اهمیت حضور ایران در صحنه جهانی امروز به همین دلیل است. تأثیرگذاری ما هم به همین دلیل مهم شده است. آن‌شالله در نظم جدید آینده جهان دنیا اسلام، مقاومت اسلامی و کشورهای که مخالف با سبطیره هستند نقش فعالی خواهند داشت.